

بررسی حق سلامت روانی زوجه در قرآن و احادیث فقهی با تأکید بر آثار تربیتی

چکیده

در فقه و حقوق اسلامی، حقوق زوجه از جایگاه والا و اهمیت خاصی در بعد جسمی و روانی برخوردار است. با توجه به تأکید اسلام به تحکیم خانواده، کاهش آسیب‌های خانواده و نقش تربیتی زوجه در تربیت فرزندان، در این پژوهش حق سلامت روانی زوجه از سوی زوج با نگاهی نو و با رویکرد فقهی و حقوقی بررسی و شاخصه‌ها، عوامل تأمین سلامت روانی زوجه و ابعاد مختلف آن روشن شد. بدین منظور، عواملی همچون عامل قومیت زوج، غیرت‌ورزی زوج، معاشرت نیکو، تفریحات سالم، ارتباط جنسی زوج با زوجه و نقش هریک از این عوامل در سلامت روانی و آرامش روحی زوجه و همچنین تزاخم میان حقوق زوج با حق سلامت زوجه و راهکارهای مقابله با آن‌ها بر اساس دیدگاه‌های فقهی و حقوقی و با تأکید بر آثار تربیتی تبیین گردید. در نتیجه‌ی این بررسی‌ها مشخص شد که حقوقی که فقه اسلامی برای زوجه در ابعاد مختلف بر عهده‌ی زوج قرار داده است، سبب تأمین سلامت و آرامش روانی زوجه و در نهایت، ارتقای سلامت خانواده و آثار مثبت تربیتی خواهد گردید.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۸/۲۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۳
از صفحه ۶۱ تا صفحه ۸۳

فرج‌الله هدایت‌نیا

دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی تهران (نویسنده‌ی مسئول).
hedayat47@gmail.com

عبدالله جوان

دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی
دانشگاه تهران و مدرس حوزه و دانشگاه.
a.javan@ut.ac.ir

نفسه‌سادات فاضلیان

دانشجوی دکتری مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب قم.
sn.fazeliyan@gmail.com

واژگان کلیدی:

سلامت روانی، فقه، حقوق زوجه، زوج، تربیت.

رعایت حقوق زنان و نیز حقوق زوجین نسبت به همدیگر یکی از مسائل اساسی و مهم حقوق اسلامی است که در صورت رعایت، سبب تحکیم خانواده می‌شود و خانواده محلی برای رشد و تعالی اعضای خانواده به‌ویژه تربیت فرزندان و آینده‌سازان جامعه می‌گردد. البته حقوق زنان و زوجین ابعاد گسترده‌ای دارد که یکی از ابعاد آن، حق سلامت زوجه است و عمدتاً در دو حوزه عمومی و وظایف دولت در تأمین حق سلامت زنان و حوزه خصوصی وظایف همسر در تأمین حق سلامت زوجه بررسی می‌گردد؛ همچنین یکی از مسائل مهم در سطح جهان و جوامع بشری، مسئله‌ی تزلزل جایگاه خانواده است و حتی در بعضی از کشورها، متلاشی شدن کانون گرم خانواده به‌عنوان یکی از مسائل بسیار مهم مطرح است که آسیب‌های تربیتی فراوانی برای زوجین و فرزندان را در بر دارد. البته طی سال‌های اخیر در ایران هم خانواده دچار آسیب‌هایی شده است و بر اساس آمارهای موجود، نرخ طلاق در ایران رشد چشمگیری داشته و مسئله‌ی طلاق و کاهش استحکام خانواده به یکی از مسائل مهم اجتماعی تبدیل شده است. بی‌تردید آشنایی زوجین با حقوق یکدیگر و رعایت آن در زندگی، موجب تحکیم خانواده و کاهش اختلافات و مشکلات خانوادگی و تنظیم مناسب روابط است و در نتیجه، تربیت صحیح فرزندان و رشد و تعالی جامعه را در پی خواهد داشت.

از این منظر، با توجه به نقش محوری زوجه در خانواده به‌ویژه در بعد تربیتی فرزندان و اهمیت سلامت او در ابعاد مختلف - که سلامتی و کارآمدی نهاد خانواده به آن وابسته است - انتظار می‌رود که با تبیین جامع حقوق و به‌طور خاص، حق سلامت زوجه و رعایت آن از سوی زوج، بخش فراوانی از آسیب‌های اجتماعی همچون طلاق، افسردگی و انحرافات اخلاقی، تربیت ناصحیح فرزندان و به‌طور خاص خودکشی زنان که سلامت خانواده و جامعه را تهدید می‌کند، از خانواده و جامعه دور گردد؛ همچنین ضمن تبیین حق سلامت زوجه در خانواده، ثابت می‌شود که اسلام از ابتدای ظهور خود همواره نسبت به زنان و اهتمام به امور آنان توجه خاص و ویژه‌ای داشته است. این پژوهش با توجه به گستردگی موضوع در نظر دارد در حوزه‌ی خصوصی حق سلامت (حق سلامت زوجه) بر اساس آیات قرآنی و دیدگاه‌های فقهی و حقوقی تحقیق کند. حقوقی که زوجه با رویکرد حق سلامت بر عهده‌ی زوج خود دارد، دارای ابعاد مختلف است که در میان آن‌ها بعد روانی از اهمیت خاصی به شرح ذیل برخوردار است. بر اساس آیه‌ی مبارکه‌ی «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱)، آرامش روانی زوج منوط به آرامش روانی زوجه است؛ پس تأمین آرامش و سلامت روانی زوجه، علاوه بر سلامت روانی زوج، سلامت روانی سایر افراد خانواده و در مرحله‌ی بعد، جامعه را نیز در بر خواهد گرفت. با توجه به اینکه آرامش روانی زوجه مقدمه‌ی رشد و تعالی معنوی و اخلاقی اعضای خانواده است، اگر زوج بتواند مؤلفه‌های سلامت جسمانی یعنی تغذیه‌ی سالم، بهداشت، پوشاک و مسکن مناسب را برای زوجه‌ی خویش فراهم کند و در مواقع لازم، حق دسترسی به مراقبت‌های پزشکی و بهره‌مندی از امکانات بیمارستانی و... را به وی بدهد و سلامت زوجه را به لحاظ جسمی تأمین نماید، سبب می‌شود تا روح او نیز از

شادابی و سرزندگی لازم برخوردار گردد؛ زیرا ارتباط تنگاتنگ جسم و روح باعث می‌گردد تا ایجاد و ارتقای هریک از این ابعاد، زمینه‌ی ارتقای بعد دیگر را فراهم کند.

درنهایت، این پژوهش ابعاد و شاخصه‌های حق سلامت روانی زوجه بر زوج و تزامم‌هایی که میان حقوق زوج و زوجه ایجاد می‌شود و سلامت زوجه را به مخاطره می‌اندازد، به همراه راهکارهای برطرف کردن آن‌ها را بر اساس آیات قرآن، دیدگاه‌های تفسیری و فقهی و با رویکرد تربیتی و اخلاقی تبیین کرده است.

پرسش پژوهش

با توجه به آثار تربیتی رعایت حقوق زوجه، شاخصه‌ها و ابعاد حق سلامت زوجه در حوزه‌ی مسائل روانی از دیدگاه آیات قرآنی و دیدگاه‌های تفسیری و فقهی چیست؟

فرضیه‌ی پژوهش

بر اساس آیات قرآنی و دیدگاه‌های تفسیری و فقهی، تأمین سلامت روانی (آرامش و امنیت روانی) با بهره‌گیری از قوامیت و معاشرت نیکو و غیرت‌ورزی از حقوق زوجه است که بر عهده زوج گذاشته شده است.

پیشینه‌ی پژوهش

کتاب حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰) به بحث درباره‌ی وظایف دولت و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای ایجاد حق بر سلامت زنان می‌پردازد؛ اما دغدغه‌ی پژوهش حاضر بررسی وظایف زوج برای تأمین حق سلامت روحی زوجه در خانواده است.

مقاله‌ی «نقش مذهب در سلامت روان» (جلالی و اللهیاری، ۱۳۷۵) طی چند پیمایش به‌طوری کلی ثابت کرده است که هرکس ایمان داشته باشد، از آرامش روانی بیشتری برخوردار است؛ همچنین مقاله‌ی «سلامت روان از دیدگاه قرآن» (صیفوری و اسماعیلی، ۱۳۸۸) نقش ایمان در کاهش اضطراب و استرس و آرامش روانی را به‌صورت کلی بررسی می‌کند. مقاله‌ی «اخلاق و آداب معاشرت در بهداشت روانی زوجین از دیدگاه پیامبر اعظم» (حسنی کبوترخانی و دینانی، ۱۳۸۶) نقش مبانی اخلاق در بهداشت روانی زوجین را بیان کرده و اصولی را مطرح نموده است که سبب تأمین بهداشت روانی - اخلاقی زوجین می‌شود.

مقالات یادشده سلامت روانی و راهکارهای رسیدن به آن را بررسی کرده‌اند؛ اما تحقیق پیش‌رو سلامت روانی زوجه و حقوقی را بررسی می‌کند که برای این منظور بر عهده‌ی زوج قرار دارد.

نوآوری

این پژوهش درباره‌ی حق سلامت روانی زوجه با رویکرد فقهی، حقوقی و تربیتی بحث کرده است که دستاورد آن شناخت و مراعات حق سلامت روانی زوجه از سوی زوج در ابعاد مختلف،

به‌ویژه در تزاخم میان حقوق زوج با حق سلامت زوجه است که تحقق این امر، استحکام خانواده و کاهش آسیب‌های آن را در پی خواهد داشت؛ همچنین این رویکرد جدید و بررسی فقهی، حقوقی و تربیتی از نوآوری‌های این پژوهش است.

چارچوب مفهومی

حق عبارت است از امتیاز، سلطه و قدرتی که به‌موجب قانون یا دیگر قواعد حقوقی جانشین، به شخص حقیقی یا حقوقی داده‌شده است و دیگران ملزم به رعایت آن هستند (دانش‌پژوه، ۱۳۹۲، ص ۶). سلامت، وضع عالی جسم یا روح و حالتی است که اعمال بدن به‌موقع و به‌گونه‌ی مؤثر انجام شود (فرهنگ آکسفورد).

سلامت روانی عبارت است از قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی به‌طور عادلانه و مناسب (سازمان بهداشت جهانی).

آرامش روانی زوجه با نگاه به آیه ۱۸۹ سوره اعراف

یکی از آیاتی که زوجه را مایه‌ی آرامش زوج معرفی می‌کند، این آیه‌ی شریفه است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكَونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف: ۱۸۹). آیت‌الله جوادی آملی ذیل این آیه درباره‌ی نیاز غریزی انسان به ازدواج در تفسیر تسنیم چنین ذکر کرده‌اند:

«ناآرامی انسان در سنین جوانی از نشانه‌های قدرت الهی است تا به فکر ازدواج بیفتند، وگرنه به‌تدریج نسل بشر نابود می‌شد، چنان‌که رنج گرسنگی و تشنگی نیز از آیات الهی‌اند، وگرنه انسان به دنبال آب و غذا نمی‌رفت و به‌زودی می‌مرد. خدای متعالی انسان را با این احساس‌ها آفرید تا در پی حفظ شخص و نوع خود برآید و آدمی باید به این احساسات پاسخ مثبت بدهد؛ یعنی به‌اندازه‌ی غذا بخورد که جذب بدن شود؛ زیرا بدن آدمی حکیمانه خلق شده و غذای افزون را نمی‌پذیرد؛ پس باید به حد ضرورت و سود بسنده کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۳۱، ص ۴۹۵).

بر اساس این، ذات اقدس الهی در آیه‌ی یادشده و آیات دیگر، ازدواج را مایه‌ی آرامش و زدایش ناآرامی می‌داند: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف: ۱۸۹)؛ «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱). مرد جوان تا ازدواج نکند، آرام و قرار ندارد و این‌گونه ناآرامی را نمی‌توان با نصیحت و وعد و وعید درمان کرد، بلکه تنها با ازدواج حل می‌شود. این‌گونه ناآرامی، آشوب و شورش در جوان، طبیعی، ستوده و پسندیده است. او آشوبگر نیست، بلکه نظام آفرینش وی را به زندگی مسالمت‌آمیز با همنوعش شورانده و تنها راه آرامش او را در ازدواج نهاده است (همان، ص ۴۹۵-۴۹۶).

آیت‌الله جوادی آملی در رابطه با اینکه زوجه (زن) عامل ایجاد آرامش زوج است، چنین ذکر کرده‌اند که راز اصیل آفرینش زن، آرامش زن و مرد است، نه گرایش غریزی و اطفای نائره‌ی شهوت؛

و خداوند اصالت را در ایجاد این آرامش به زن داده و او را در این امر روانی، اصل دانسته و مرد را مجذوب مهر زن معرفی کرده است. ضمن آنکه حقیقت هر دو را یک گوهر دانسته و هیچ امتیازی از لحاظ مبدأ قابل آفرینش، میان آن دو قائل نشده است (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۴۶).

اکنون که خداوند متعال زوجه را محور آرامش بخشی قرار داده است، زوج چه وظایفی را در برابر او باید انجام دهد تا زوجه بتواند وظیفه‌ی آرامش بخشی خود را که مقدمه‌ی سلامت جسمی و روحی است و خداوند آن را بر عهده‌ی او نهاده است، به نحو احسن ایفا کند؟

در همین رابطه، امام زین العابدین^(ع) در رساله‌ی حقوق خود ذیل آیه‌ی مبارکه فرموده‌اند: «و اما حق همسر این است که شوهر بداند خداوند زن را مایه‌ی آرامش و الفت او قرار داد و بداند که همسرش نعمتی است از جانب خداوند؛ بنابراین، او را گرمی دارد و با او به نرمی برخورد کند؛ از این رو، اگرچه حق شوهر واجب‌تر است، مرد موظف است که با زن مهربانی و شفقت کند»^۱ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۲۱؛ آل یاسین، بی‌تا، ص ۲۸). با توجه به سخنان گهربار امام سجاد^(ع) و تأکید ایشان برای گرمی داشت زوجه، در ادامه به مهم‌ترین وظایف زوج در این رابطه می‌پردازیم. با توجه به اینکه مسئولیت مهم آرامش بخشی به زوج بر عهده‌ی زوجه است، باید اذعان کرد که «خداوند طبیعت زوجه را به گونه‌ای خلق نموده که سهم بیشتری از رفتارهای مطبوعی چون مهربانی، نازک‌دلی، ملاحظت، همدردی و ایثارگری داشته باشد؛ به عبارت دیگر، چنین موجودی باید از خشونت و دیدگاه خشک منطقی که تنها به منافع خویش می‌اندیشد و اوصافی این‌چنینی که سبب فاصله گرفتن دیگران از انسان می‌شود، سهم کمتری داشته باشد» (پناهی، ۱۳۹۳، ص ۷۰)؛ بنابراین، با وجود ویژگی‌های مهم نام‌برده شده در وجود زوجه باید دانست که زوج برای شکوفا کردن این استعدادها ذاتی زوجه و برای برقراری آرامش او چه وظایفی را باید انجام دهد. یکی از مهم‌ترین وظایف در این زمینه، ایجاد محیط امن و توأم با آرامش برای زوجه است؛ به عبارت دیگر، زوجه باید آرامش دریافت کند تا بتواند آرامش بدهد؛ پس بنا بر تعبیر قرآن که زن آرامش‌دهنده‌ی مرد است، باید در محیطی آرام و به دور از تنش زندگی کند. در واقع، در محیط امن خانه باید منتظر امنیت و آرامش بود، وگرنه از محیط متشنج نمی‌توان انتظاری به جز تشنج داشت. با توجه به اینکه روحیه‌ی زوجه بسیار حساس و شکننده و آسیب‌پذیر است، اگر زوج توقع و انتظار زندگی سالم و در کمال امنیت و آرامش از همسرش دارد، باید خود او این محیط امن را برای زوجه‌اش فراهم کند.

علاوه بر ایجاد محیط امن و مملو از آرامش، یکی دیگر از وظایف زوج برای تأمین آسایش زوجه تلاش برای تأمین سلامتی زوجه است؛ زیرا آرامش ارتباط مستقیمی با سلامتی فرد دارد و بیماری علاوه بر جسم، روح و روان انسان را پریشان می‌سازد. در همین رابطه پیشوایان دین می‌فرمایند: «در زندگی بدون سلامتی، خیری نیست»^۲ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۳۷۰) و یا اینکه

۱- «وَأَمَّا حَقُّ الزَّوْجَةِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَ أَنْسَا فَعَتَلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْكَ فَتُكْرِمَهَا وَ تَرْفُقْ بِهَا وَ إِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَوْ حَبَّ فَإِنَّ نَهَا عَلَيْكَ أَنْ تُزَحِّمَهَا لِأَنَّهَا أَسِيرُكَ وَ تُطْعِمَهَا وَ تَكْسُوهَا وَ إِذَا جَهِلَتْ عَقَبَتْ عَنْهَا».

۲- قال رسول الله^(ص): «يا علي لا خير في الحياة إلا مع الصحة».

«در نبود سلامتی، زندگی ناگوار است»^۱ (همان، ۱۳۷۶، ص ۲۹۱-۲۹۲) و یا «لذت زندگی در تندرستی است»^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۹۷). علاوه بر تأمین سلامتی برای برقراری آرامش زوجه، زوج باید زمینه رفاه او را فراهم کند که یکی از این زمینه‌ها فراهم کردن خانه‌ی بزرگ است. بزرگان دین در این باره می‌فرمایند: «داشتن خانه‌ی بزرگ از سعادت انسان و باعث راحتی او است»^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۱۵۲) و یا اینکه می‌فرمایند: «چهار چیز از نشانه‌های خوشبختی است: زن خوب، خانه‌ی وسیع، همسایه‌ی خوب و مرکب خوب»^۴ (همان، ص ۱۵۴).

بر اساس آموزه‌های اسلام، یکی دیگر از زمینه‌های آرامش زوجه که باید از سوی زوج تأمین شود و فقهای عظام بر آن تأکید کرده‌اند، تهیه‌ی خوراک و پوشاک و لوازم لازم برای رفاه وی است؛ به‌عنوان مثال، شهید ثانی نفقه را شامل طعام و خورش و پوشش و مسکن و خادم و وسایل تنظیف و آنچه به‌طور طبیعی اهل بلد زن به آن نیاز دارند، می‌داند (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۴۵۵). صاحب جواهر نیز همچون شهید ثانی، نفقه را شامل طعام و خورش و پوشش و مسکن و خادم و وسایل تنظیف و آنچه به‌طور طبیعی اهل بلد زن به آن نیاز دارند، می‌داند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۳۳۰). نظر آیت‌الله تبریزی درباره‌ی نفقه این است: «نفقه شامل طعام، کسوه، سکن، فراش، غطاء، آلت تنظیف و سایر چیزهایی است که زوجه به آن نیاز دارد» (تبریزی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۳۵۹). آیت‌الله خویی نیز درباره‌ی نفقه همین نظر را دارند (موسوی خوئی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۸۷).

نظر امام خمینی درباره‌ی نفقه این است: «نفقه شرعاً اندازه‌ای ندارد، بلکه قاعده این است که به آنچه زن احتیاج به آن دارد؛ از قبیل غذا و خورش و پوشاک و زیرانداز و روانداز و اسکان و خادم داشت و وسایلی که برای آشامیدن و پختن و نظافتش و غیر این‌ها به آن‌ها نیاز دارد، قیام نماید» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۳۶).

پس زوجه‌ای که به همه‌ی نیازمندی‌هایش مانند خوراک، پوشاک، اسکان، خادم و بهداشت توجه می‌شود و با وی به مهربانی و شفقت برخورد می‌گردد، در خانه‌ای امن و با آرامش زندگی می‌کند، وسایل رفاهی او تأمین شده و تأمین سلامتی او دغدغه‌ی بسیار مهمی برای زوجش است، می‌تواند با وجود چنین فضایی، آرامش‌بخش باشد و آرامش‌دهنده به زوج.

بررسی عوامل تأمین سلامت روانی زوجه

تأمین نفقه‌ی زوجه تأثیر اساسی و مهمی بر سلامت روانی وی دارد؛ اما عوامل دیگری نیز وجود دارند که با تحقق پیدا کردن این عوامل، سلامت روانی زوجه به نحو شایسته فراهم می‌آید که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: عامل قوامیت زوج، عامل غیرت‌ورزی زوج، عامل معاشرت نیکوی زوج،

۱- قال الصادق (ع): «خَمَسُ مَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ فِيهِ لَمْ يَتَهَنَّ بِالْعَيْشِ الصَّحَّةِ وَالْأَمْنِ وَالْغِنَى وَالْقَنَاعَةَ وَالْأَيُّسَ الْمُؤَافِقَ».

۲- قال علی (ع): «العَافِيَةُ تُوجِدُ لَدَهُ الحَيَاةَ».

۳- قال رسول الله (ص): «مِنْ سَعَادَةِ الْمُسْلِمِ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ».

۴- قال رَسُولُ اللَّهِ (ص): «أَرْبَعٌ مِنَ السَّعَادَةِ وَأَرْبَعٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ فَالْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ السَّعَادَةِ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَالْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَالْجَارُ الصَّالِحُ وَالْمَرْكَبُ الْبَيْهِيُّ وَالْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ الشَّقَاوَةِ الْجَارُ السُّوءُ وَالْمَرْأَةُ السُّوءُ وَالْمَسْكَنُ الضَّيِّقُ وَالْمَرْكَبُ السُّوءُ».

عامل تفریحات سالم و عامل ارتباط جنسی زوج که با تحقق بخشیدن به این‌ها، سلامت روانی زوجه تأمین خواهد شد. اکنون به بررسی این عوامل می‌پردازیم.

بررسی عامل قوامیت، سرپرستی و مسئولیت‌پذیری زوج و نقش آن در سلامت روانی زوجه

ایجاد نظم در هر جمعیت منوط به این است که مقامی بر آن حکومت کند. خانواده نیز از این قاعده مستثنا نیست و دوام آن، جز با تعیین مدیر و مسئول ویژه امکان ندارد. از نظر احترام به حقوق فردی، برابری زن و مرد عادلانه‌تر به نظر می‌رسد و به همین سبب، ممکن است ادعا شود که خانواده نیز باید به‌طور مشترک اداره گردد و نظام آن بر مبنای توافق زن و شوهر قرار گیرد؛ اما زندگی اجتماعی در هر گروه نیازمندی‌های ویژه‌ای دارد که برای رفع آن‌ها ناچار بایستی آزادی‌های فردی را محدود کرد، چنان‌که همین ضرورت باعث شده است که با تشکیل دولت، افراد از آزادی مطلق خویش بگذرند و آن را محدود سازند.

اگر بنا شود که اراده‌ی زن و شوهر در تنظیم امور خانواده ارزش برابر داشته باشد، معلوم نیست اختلاف سلیقه‌ها را کجا باید حل کرد؟ برای مثال، آیا به مصلحت خانواده و اجتماع است که اختلاف زن و شوهر درباره‌ی تعیین محل سکونت خود یا طرز تربیت فرزندانشان در دادگاه حل شود؟ آیا می‌توان تربیت و نگاهداری فرزندان خانواده را بدون تعیین مسئول تأمین کرد و برای گرفتن هر تصمیم، منتظر رأی نهایی دادگاه شد؟ مسلماً پاسخ منفی است و باید فردی مناسب ریاست خانواده را بر عهده گیرد. زوج در خانواده به سبب اینکه تأمین اقتصاد خانواده بر عهده‌اش است و به اصطلاح نان‌آور خانه است، خودبه‌خود اقتدار خاصی دارد. اوست که تصمیم می‌گیرد و به علت برتری‌های جسمانی، تفکر خود را در عمل به منصفی ظهور می‌رساند. عامل دیگر ریاست زوج این است که زوجه دوستدار تکیه‌گاه و حامی‌ای است که قدرت داشته باشد، از او حمایت کند و این زوج است که این وظیفه‌ی خطیر را بر عهده دارد. امروزه، ریاست زوج به انجام یک وظیفه‌ی اجتماعی بیشتر شبیه است تا حق شخصی. زوج رئیس است، به علت اینکه بهتر می‌تواند مسئولیت اداره‌ی خانه را بر عهده بگیرد و زوجه معاون و همکار اوست، نه فرمان‌بر مطلق؛ اما توجه به یک نکته ضروری است و آن این است که حال که زوج مسئول حفظ سلامت و استحکام خانواده است، اگر بخواهد از اختیار خویش سوءاستفاده کند و مصالح زوجه را نادیده بگیرد و درصد انتقام و یا لجبازی با زوجه باشد، زوجه می‌تواند با رجوع به دادگاه مانع کار او شود^۱ (کاتوزیان، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۶۴).

برخی دیگر از حقوق‌دانان معتقدند منظور از ریاست - که به آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی نساء مستند است، تصمیم‌گیری نهایی در امور خانواده و مراعات مصالح آن است که بعضی از آن‌ها را قانون‌گذار مشخص کرده است (محقق داماد، ۱۴۰۰، ص ۲۸۸).

۱- اصل ۴۰ قانون اساسی: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله‌ی اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد؛ پس اگر ریاست بر خانواده حق خصوصی مرد نیز باشد، بر مبنای این اصل بایستی آن را وسیله‌ی اضرار به زن و صدمه زدن به بنیان خانواده قرار ندهد.

بیش از توضیح آیه‌ی مبارکه‌ی «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ...» (نساء: ۳۴)، واژه‌ی قوام توضیح داده می‌شود. واژه‌ی قوام صیغه‌ی مبالغه از فعل قام و به معنای بسیار قیام‌کننده است. لغت‌شناسان، مفسران و فقیهان در تفسیر قوامیت در آیه‌ی «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» معانی فراوانی برشمرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در دو دسته جای داد؛ یک دسته شامل مفاهیمی مانند سلطه، حکومت، ولایت، ریاست و استحقاق طاعت است (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۱۴۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۷۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۴۸) و دسته‌ی دیگر مفاهیمی همچون کفالت، حمایت، کارگزاری، رسیدگی و نگهداری را در برمی‌گیرد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۹۷؛ الزبیدی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۵). شیخ طوسی از فقهای متقدم نیز چنین نوشته است: «قوام بر دیگری، کسی است که متکفل و عهده‌دار هزینه و پوشاک و سایر نیازمندی‌های او می‌شود» (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۲).

پس از توضیح واژه‌ی قوام، اکنون وارد بحث آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی نساء می‌شویم. آیه‌ی مبارکه‌ی «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء: ۳۴) که قوامیت مردان بر زنان را مقرر کرده است، علت آن را امتیازهای خدادادی و نیز انفاق مالی مردان بیان می‌کند. البته آیه‌ی مبارکه این‌طور نیست که صرفاً در پی تثبیت و صاحب‌اختیاری شوهر بر زن باشد و نیز این‌طور نیست که مراد از آن صرفاً خدمتکاری مردان برای زنان باشد. به نظر می‌رسد مقصود آیه مسئولیت شوهر در تأمین نیازهای همسر و حمایت و حراست از او همراه با نظارت و کنترل است (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۱۵۴). نکته‌ی مهمی که در اینجا باید به آن توجه کرد، این است که این آیه به‌صورت مثبت سخن می‌گوید و مرد را قوام امور زن قرار می‌دهد. مقتضای قوام بودن رعایت قسط و عدالت در شئون کسانی است که امورشان بر عهده‌ی او قرار داده شده است. مفهوم قوامیت با تسلط تفاوت دارد؛ زیرا از مفهوم سلطه، آزادی مطلق در تصرف فهمیده می‌شود؛ به‌عبارت‌دیگر، قوام بودن به این معنا نیست که مرد در حیات اجتماعی، بر زن سلطه و ولایت دارد، به‌گونه‌ای که بتواند هرگونه می‌خواهد تصمیم بگیرد و بر زن به‌طور مطلق و بدون هیچ‌گونه قید و محدودیتی اعمال ولایت کند، بلکه قوام بودن متضمن دو امر مهم است: یکی اینکه مرد نیازهای مادی و معنوی زن را فراهم کند، به‌طوری‌که خواسته‌های او به‌صورت مناسب برآورده شود و احساس اطمینان و آرامش کند؛ دیگر اینکه از زن حمایت نماید و او را مراعات کند و خانواده را در حدود سلطه‌ای که دارد، بر اساس عدل اداره نماید. تسلط مرد و سرپرستی خانواده ضوابط و قیود بسیاری دارد که عرصه‌ی آزادی زن و فرزندان را در چارچوب مجاز و مشروع فراهم می‌آورد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۲۰۹). علاوه بر آیه‌ی مبارکه که سرپرستی را به مردان واگذار می‌کند، روایاتی هم وجود دارد که زوج را علاوه بر سرپرستی، پاسخگو هم می‌داند.

دیدگاه علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی درباره‌ی قوامیت

علامه طباطبایی قوامیت زوج را شامل حوزه‌ی خانوادگی و حوزه‌ی اجتماعی می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۶۵). آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: «آیه در خصوص خانواده است؛ اما از تعلیل آیه عمومیت هم استفاده می‌شود؛ پس در حوزه‌ی جنگ، فرمانروایی و قضاوت هم مردان ولایت

دارند» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۵۵۳). اکنون نقش خانوادگی را بررسی می‌کنیم.

نقش خانوادگی (تأمین معاش زوجه و نقش حمایت از او)

خداوند به سبب شرایط جسمی و روانی خاص زن (زوجه)، بارداری و شیردهی و تر و خشک کردن کودک و مراقبت از او و پرورش نسل را در وجود وی به ودیعت نهاده است. علاوه بر این‌ها، امر تربیت فرزند هم تا حدود بسیاری بر عهده‌ی اوست که باید با آرامش روان و خیال آسوده به انجام این وظایف پردازد و این امر میسر نمی‌گردد، مگر در صورتی که زوج دسته‌ای از وظایف را انجام بدهد؛ از جمله اینکه وسایل رفاه زوجه‌اش را (خوراک، پوشاک، مسکن، درمان و ...) فراهم کند که در اسلام این وظایف بر عهده‌ی زوج است و بخشی از نقش حمایتی او از زوجه‌اش با انجام این وظایف و کارها ایفا می‌شود. برخی از صاحب‌نظران درباره‌ی سبب قوام بودن شوهر چنین ذکر کرده‌اند که خدای سبحان به دو جهت قیّم بودن نسبت به امور خانه را بر عهده‌ی شوهر نهاده است: ۱. توانایی، صلابت و مدیریت مرد؛ ۲. عهده‌داری همه‌ی هزینه‌های اختصاصی زن و تأمین نیازهای منزل (همان).

البته قوام بودن زوج متضمن دو امر است؛ یکی اینکه مرد نیازهای مادی و معنوی زن را فراهم کند، به طوری که خواسته‌های او به صورت مناسب برآورده شود و احساس اطمینان و آرامش کند؛ دیگر اینکه از زن حمایت نماید و او را مراعات کند و خانواده را در حدود سلطه‌ای که دارد، بر اساس عدل اداره نماید. تسلط مرد و سرپرستی خانواده ضوابط و قیود بسیاری دارد که عرصه‌ی آزادی زن و فرزندان را در چارچوب مجاز و مشروع فراهم می‌آورد (رئوف، ۱۳۷۷، ص ۷۷). پس از بررسی نقش خانوادگی، نقش اجتماعی بررسی می‌شود.

نقش اجتماعی (عهده‌داری امور اجتماعی، امور جنگ، امور اجرایی و امور قضایی)

علامه طباطبایی «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء: ۳۴) را برای بیان احکام مطلق زن و مرد می‌داند (نه ویژه‌ی زن و شوهر) و می‌فرماید: «عموم علت قوام بودن مرد بر زن دلالت دارد که آنچه بر آن علت نهاده شده منحصر در همسر نیست، بلکه شامل همه‌ی زنان می‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۶۵). آیت‌الله جوادی آملی معتقدند در زعامت جامعه و کارهایی که همواره مرتبط با مردان نامحرم است، به دو دلیل مرد اصلح است: ۱. توانمندی طبیعی و بدنی؛ ۲. سهولت ارتباط با مردم. از سوی دیگر، زن از نظر جسمی ظریف‌تر و به جهت حفظ حریم پاک‌دامنی و رعایت حجاب، ارتباط مردان با او دشوارتر است. در حال حاضر، حتی کشورهایی که نسبت به زنان افراطی هستند و از فمینیسم گذشته و به پست‌فمینیسم رو کرده و از همه‌ی امکانات برای بی‌بندوباری زنان سوءاستفاده کرده‌اند، نتوانسته‌اند مدیریت‌های مهم را بر عهده‌ی زنان بگذارند. آن‌ها در میدان واقعیت‌های اجتماعی فهمیدند که مأموریت‌های سنگین بسان فرماندهی جنگ، رهبری جامعه و داوری در محاکم جنایی از روح لطیف زن ساخته نیست. علت این امر همان‌گونه که ذکر شد، روحیه‌ی حساس و لطیف زن است که با قضاوت، جنگ و امور اجرایی

قابل جمع نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۵۵۴). ارتباط این موضوع با سلامت روانی زوجه در این است که زوجه با خیال راحت به انجام وظایف محوله بپردازد و اطمینان داشته باشد که اگر جنگی به وجود بیاید، نیازی به جنگیدن او نیست و زوج او از او دفاع می‌کند و اگر مشکل قضایی به وجود بیاید، زوجش یا خود رأساً مشکل را حل می‌کند یا وسیله‌ای را فراهم می‌نماید که مشکل قضایی زوجه‌اش را حل کند.

نظرات مفسرین گران قدر، علامه طباطبایی و آیت‌الله جوادی آملی درباره‌ی ریاست شوهر بیان شد. اکنون به بررسی عامل غیرت‌ورزی زوج و نقش آن در سلامت روانی زوجه می‌پردازیم.

بررسی عامل غیرت‌ورزی زوج و نقش آن در سلامت روانی زوجه

غیرت به معنای نفرتی طبیعی است که از مشارکت دیگران در امور مربوط به محبوب سرچشمه می‌گیرد (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴۳۲). همسر و فرزندان از جمله محبوب‌ترین افراد برای انسان هستند. فرد غیور به دلیل علاقه به همسر و فرزندان، اجازه‌ی نفوذ نامحرم را به حریم خانواده نمی‌دهد و به ناموس خود حساس است. حضرت علی^(ع) درباره‌ی نقش غیرت در پدید آمدن عفت می‌فرماید: «ارزش هرکس به اندازه‌ی همت و عفتش به اندازه‌ی غیرت اوست»^۱ (نهج البلاغه، حکمت ۴۷، ص ۶۳۴). غیرت و توجه کافی به پاک‌دامنی زن، زمینه‌ساز حفاظت از آلودگی‌ها و سبب دل‌بستگی بیشتر زن به همسرش خواهد شد (پناهی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۴)؛ بنابراین، یکی از وظایف اختصاصی زوج غیرت‌ورزی نسبت به همسر است؛ بدین معنا که وی نباید اجازه دهد همسرش آگاهانه یا ناخودآگاه، زمینه‌ی آلودگی و بی‌عفتی خود را فراهم آورد.

غیرت‌ورزی جنسی از اخلاق جنسی است که بروز و رشد آن بیش از هر جای دیگری، در محیط خانواده به چشم می‌خورد؛ برخلاف دیدگاهی که غیرت را از مقوله‌ی حسادت و صرفاً محصول عوامل فرهنگی و ناشی از گرایش مردان به تملک زنان می‌داند (کلاین‌برگ، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۶۵). روایات اسلامی ضمن ارزش‌گذاری مثبت درباره‌ی این صفت به‌عنوان امری مؤثر در کاهش کج‌روی‌های جنسی، غیرت و حسد را در دو حوزه‌ی متباین ایمان و کفر طبقه‌بندی می‌کنند و به این ترتیب، تمایز و تقابل آشکاری میان این دو صفت برقرار می‌سازند (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۱۰۷ - ۱۱۱؛ بستان، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲).

بررسی عامل معاشرت نیکوی زوج و نقش آن در سلامت روانی زوجه

دیدگاه فقها

معاشرت نیکو ابعاد گوناگونی دارد که بدین منظور، برخی از فقها به مناسبت‌های مختلف از اصل قرآنی معاشرت به معروف در حوزه‌ی حقوق و اخلاق خانواده بهره برده‌اند که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: شهید ثانی در این باره که آیا زن باید خدمتکار داشته باشد یا خیر، این‌گونه استدلال می‌کند که اگر رویه‌ی مردم سرزمین زن این است که خدمتکار داشته

۱- «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ ... وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدْرِ غَيْرَتِهِ».

است، بر شوهر لازم است خدمتکار بگیرد؛ زیرا این امر از مصادیق معاشرت به معروف است؛ اعم از اینکه شوهر معسر یا موسر باشد. وی همچنین در تعیین نوع لباس و مسکن و اموری از این قبیل، با معیار قرار دادن عرف بلد زن، بر اساس قاعده‌ی بالا فتوا داده‌اند که در بخش تأمین نیازهای زوجه به صورت مبسوط و مستدل بیان گردید^۱ (شهید ثانی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۴۵۷).

مواد قانونی و دیدگاه حقوق دانان

حسن معاشرت یکی از تکالیف مشترک زن و شوهر است. ماده‌ی ۱۱۰۳ قانون مدنی در این باره می‌گوید: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.» حسن معاشرت یا خوش رفتاری زن و شوهر، مربوط به عرف و عادت و رسوم اجتماعی است و مقتضای آن بر حسب زمان و مکان تغییر خواهد کرد. به طور کلی می‌توان گفت حسن معاشرت ایجاب می‌کند که زن و شوهر با خوش رویی و مسالمت و صمیمیت باهم زندگی کنند و از مجادله و ناسزاگویی و اهانت به یکدیگر بپرهیزند (صفایی و امامی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۱).

بر اساس آیه‌ی شریفه‌ی «... عاشروهن بالمعروف...» (نساء: ۱۹)، روابط زوج و زوجه باید بر اساس معروف تنظیم شود؛ همچنین بنا بر توصیه‌ی قرآن، وظایف زن و شوهر در خانواده باید بر اساس شرایط اجتماعی آنان و اصل معروف تنظیم گردد. نیازهای اقتصادی، نیازهای عاطفی، شیوه‌ی احترام و بزرگداشت زن، نحوه‌ی روابط با خویشان زن و شوهر، روش تصمیم‌گیری‌ها و حل اختلافات و حتی طرز صحبت کردن باهم مشمول ملاک معروف می‌شود. همه‌ی این امور در چارچوب قوانین شرع و مطابق با فرهنگ و آداب و رسوم هر جامعه تنظیم می‌گردد. بی‌تردید رفتار زن و شوهر بر پایه‌ی معروف بسیاری از زمینه‌های اختلاف را در خانواده برمی‌چیند و کمتر دلیلی برای بروز خشونت خانگی در کار خواهد بود (سالاری فر، ۱۳۹۸، ص ۲۵۲).

علاوه بر آیات قرآن، روایات فراوانی نیز وجود دارد که بر رفتار صحیح و معاشرت نیکو با زوجه تأکید می‌کند. اصل مدارا یکی از مصادیق معاشرت نیکو و یک اصل مهم در این باره است که با ذکر روایات مطرح شده در این زمینه توضیح داده خواهد شد (همان، ص ۲۵۳-۲۵۴).

در متون اسلامی به مدارا در روابط اجتماعی بسیار سفارش شده است^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۷)، به اندازه‌ای که پیامبران همان گونه که به دیگر واجبات امر شده‌اند، به مدارا با مردم نیز مأمور گشته‌اند^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۵۳). مدارا در خانواده به زن و مرد، به ویژه به شوهر بسیار سفارش شده است: «در هر وضعیتی با همسرت مدارا کن و با او مصاحبت نیکو داشته باش تا زندگی‌ات گوارا شود»^۴ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۸۰).

۱- «اللوای لا یخدمن أنفسهن فی عادة البلد، بل یكون لهن من یخدمهن و إن قدرن علی الخدمة. فإن كانت الزوجة منهنّ وجب علی الزوج إخدمها، لأنه من المعاشرة بالمعروف المأمور بها».

۲- قال رسول الله (ص): «مَدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ».

۳- قال رسول الله (ص): «إِنَّا أَمَرْنَا مَعَايِرَ الْأَنْبِيَاءِ بِمَدَارَاةِ النَّاسِ، كَمَا أَمَرْنَا بِإِقَامَةِ الْقَرَابَاتِ».

۴- «فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَأَحْسِنِ الضَّحْبَةَ لَهَا لِيَتَصَوَّ عَيْشُكَ».

مدارا به معنای برخورد ملایم و آرام، مصاحبت نیکو و دوری از تندی و شدت در روابط است^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۴۳۸). مدارا شامل گونه‌ای گذشت از طرف مقابل و چشم‌پوشی از کوتاهی‌ها و اشتباه‌های او می‌شود.

پیشگیری و درمان سوء‌معاشرت با بهره‌گیری از آیات نورانی قرآن

برای پیشگیری از خشونت، بسیاری از آیات قرآن بر پرهیز از خشونت و رفتار ناشایست و سوء‌معاشرت با زنان تأکید می‌فرمایند که با بیان توضیح مختصر در ادامه ذکر می‌گردند؛ از جمله آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی نساء^۲ به شوهرانی که چند همسر دارند، تأکید می‌کند که در میان همسران خود به عدالت رفتار نمایند تا حقوق همه‌ی همسران خویش را بتوانند عادلانه رعایت کنند. آیه‌ی ۱۹ همین سوره^۳ مؤمنان را از به‌کار بردن سنت جاهلی درباره‌ی زنان مانند به ارث بردن زنان و یا تحت فشار قرار دادن آنان برای اینکه مهریه یا نفقه را پس بگیرند، نهی می‌کند و در فراز آخر آیه‌ی مبارکه دستور می‌دهد که بر اساس معرف با زنان رفتار شود. همچنین آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی نساء می‌فرماید: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»؛ که به استقلال زن و مرد در فعالیت‌های مادی اشاره می‌فرماید و اینکه هر یک بر اساس تلاش و کوشش خود بهره‌ی لازم از کار و فعالیت خویش را باید دریافت کنند. آیه‌ی بعدی، آیه‌ی ۱۲۷ همین سوره^۴ است که بر رعایت حقوق زنان تأکید می‌فرماید. بر اساس بیان آیت‌الله مکارم شیرازی، آیه‌ی یادشده به پاره‌ای از سؤالات و پرسش‌هایی که درباره‌ی زنان (به‌ویژه دختران یتیم) از طرف مردم می‌شده است، پاسخ می‌گوید و می‌فرماید: «ای پیامبر، از تو درباره‌ی احکام مربوط به حقوق زنان سؤالاتی می‌کنند. بگو: خداوند در این زمینه به شما پاسخ می‌دهد» و اینکه خداوند در این آیه‌ی مبارکه، درباره‌ی زشتی عمل ظالمانه‌ی عده‌ای پاسخ می‌گوید که دختران یتیمی را که در اختیار می‌گرفتند، نه با آنان ازدواج می‌کردند و نه اموالشان را به آنان بازمی‌گرداندند تا با دیگران ازدواج کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۴۸). در آیه‌ی ۱۲۹ سوره‌ی نساء^۵ به کسانی که همسران متعدد دارند، درباره‌ی عدالت‌ورزی تأکید می‌فرماید (همان، ص ۱۵۲) و آیه‌ی ۲ سوره‌ی مجادله^۶ مردان را ازظهار کردن همسرانشان بر حذر می‌دارد که آنان را در وضع بسیار بد و بلا تکلیفی قرار می‌دهد (همان، ج ۲۳، ص ۴۰۷).

۱- «مُدَارَاةُ النَّاسِ مَلَائِنَةُ النَّاسِ وَ حَسَنٌ صُحْبَتِهِمْ».

۲- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا».

۳- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَنَّ بِقَاحِشَةٍ مَبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا».

۴- «وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُنَالِي عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي بَيِّنَاتٍ لِّلنِّسَاءِ اللَّاتِي لَا نُؤْتُوهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوُلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا».

۵- «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا».

۶- «الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتِهِمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ».

بررسی عامل تفریحات سالم و نقش آن در سلامت روانی زوج

انسان موجودی است که از دو بعد جسم و روح پدید آمده است و هرکدام نیازها و آسیب‌های خاص خود را دارد. همان‌گونه که بدن انسان به انواع غذاها نیازمند است، روح آدمی نیز به شادابی و تفریحات سالم نیاز دارد؛ بنابراین، غذای روحی و روانی همواره در کنار غذای جسم مطرح بوده است؛ پس زوجه برای شادابی روحی خود نیاز به تفریح دارد. اکنون باید دانست تفریح چیست تا زوج بتواند بستر و زمینه‌ی آن را برای همسرش فراهم کند.

تفریح حالتی هیجانی است که از احساس خوب‌زیستن و خرسندی فرد در زندگی ناشی می‌شود و احساسات مثبتی چون پیشرفت، تبحر، سرزندگی، پذیرش، موفقیت، خودارزشی و شادی را به همراه دارد و در نتیجه، خودانگاره‌ی مثبت فرد را تقویت می‌کند، به تجربه‌ی زیباشناختی پاسخ می‌دهد و هدف‌های شخصی را تحقق می‌بخشد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۲۹۲).

با توجه به اهمیت تفریحات سالم و لذت‌های حلال در رشد و ارتقای کمی و کیفی زندگی انسان مسلمان و برای تقویت جنبه‌های روحی، قرآن کریم و پیشوایان دین و دنیا از پیروانشان خواسته‌اند که افزون بر عبادت و کار و تلاش، به لذت‌ها و تفریحات سالم نیز در زندگی روزمره‌شان بسیار توجه کنند؛ زیرا توجه قانونمند به آن به نهادینگی آن تفریحات خواهد انجامید (پناهی، ۱۳۹۳، ص ۳۲۱)؛ به‌عنوان نمونه پیامبر اعظم^(ص) در این باره می‌فرماید: «مسافرت کنید تا سالم بمانید»^۱ (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۳۴۷). پرواضح است که هدف از سیاحت و تفریح، ایجاد نشاط و شادابی است و هدف از شادابی و نشاط، ایفای بهینه و مطلوب وظایف عبادی و امور دنیوی است (پناهی، ۱۳۹۳، ص ۳۲۰). امام رضا^(ع) در حدیثی به این مفاهیم اشاره کرده و فرموده‌اند:

«بکوشید تا اوقات زندگی شما چهار بخش داشته باشد: بخشی برای مناجات و عبادت و خلوت کردن با خدای متعالی، بخشی برای کار و فعالیت و تأمین مخارج زندگی، بخشی برای ارتباط با هم‌نوعان و ارتباط با کسانی که شما را به عیوبتان آگاه می‌کنند و هدایت‌گر شمایند و بخشی برای لذت‌های حلال و تفریحات و با این بخش برای انجام بخش‌های سه‌گانه دیگر نیرو و نشاط بگیرید»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۲۱).

همان‌گونه که در متن حدیث دیده می‌شود، با انجام تفریحات، انسان برای انجام بخش دیگر یعنی عبادت، کار و ارتباط با هم‌نوعان انرژی لازم را دریافت می‌کند. با الهام گرفتن از حدیث، وظیفه‌ی زوج در ارتباط با زوجه‌اش این است که باید برای شادابی و سرزندگی همسرش، مقدمات تفریحات سالم را فراهم سازد؛ زیرا این امر در بهداشت روانی زوجه مؤثر است و تفریح افزون بر ایجاد شادی و عاطفه‌ی مثبت، در بهداشت روانی و آرامش فکری نیز تأثیرگذار است و نقش تعیین‌کننده‌ای در آن دارد. در تحقیق استوارت (۱۹۹۴) روی شش‌صد تن روشن شد، کسانی که

۱- «سافروا تصحوا».

۲- «اجتهدوا فی أن یکون زمانکم أربع ساعات: ساعة لمناجاة الله، وساعة لأمر المعاش، وساعة لمعاشرة الاخوان والنفقات الذین یعرفونکم عیوبکم ویخلصون لکم فی الباطن، وساعة تخلون فیها للذاتکم فی غیر محرم و بهذه الساعة تقدرون علی الثلاث ساعات».

فعالیت‌های تفریحی بیشتری دارند، از بهداشت روانی بالایی برخوردارند و احساس افسردگی و ناآرامی کمتری می‌کنند؛ همچنین این افراد سلامتی جسمانی بیشتری دارند (پناهی، ۱۳۹۳، ص ۳۱۶)؛ بنابراین، به زوج پیشنهاد می‌شود که برای تفریحات و شادابی و سرزندگی زوجه، به مناطق خوش آب‌وهوا، کوهستان‌ها، جنگل‌ها و دریاها بروند؛ زیرا تفریح و گردش در طبیعت زیبا و مناطق سبز نشاط‌آفرین است و فرد با مسافرت کردن، در زندگی خود تغییر و تنوع ایجاد می‌کند و علاوه بر آشنایی با اشخاص و اماکن جدید، گاه با طبیعت نیز آشتی می‌کند که همه‌ی این عوامل می‌تواند به سلامت روانی شخص کمک نماید.

امام صادق^(ع) در روایتی می‌فرماید: «ده چیز سبب نشاط و شادابی انسان است: پیاده‌روی، سوارکاری، شنا، نگاه کردن به طبیعت سرسبز، خوردن و آشامیدن، نگاه به‌صورت زیبای حلال، آمیزش با همسر، مسواک زدن و گفتگو با مردان»^۱ (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۱).

پس با توجه به مطالب گفته‌شده درمی‌یابیم زوجه‌ای که بخش عظیمی از مسئولیت اداری منزل از قبیل آشپزی، نظافت، رسیدگی به امور فرزندان و از همه مهم‌تر تربیت آنان را بر عهده دارد، باید به لحاظ روحی شاداب و پرنشاط باشد تا پس از فعالیت طولانی بتواند تجدیدقوا کند و به شادابی روحی خویش پردازد. البته این در صورتی است که بانو مسئولیت دیگری خارج از منزل بر عهده نداشته باشد که در خارج از منزل و در جامعه هم مسئولیتی داشته باشد، به‌صورت مضاعف نیازمند تفریحات سالم است. البته علاوه بر تفریحات، عوامل دیگری هم وجود دارند که سبب شادابی زوجه می‌شوند. دیدوبازدید و صل‌رحم یکی از این عوامل است.

صل‌رحم و دیدوبازدید یکی از تأثیرگذارترین و بااهمیت‌ترین عوامل در بهداشت روان، نشاط درونی و شادکامی انسان‌ها است. توصیه‌ی اکید به ارتباط خویشاوندی و دوری‌گزیدن از قطع ارتباط یکی از راهبردهای اخلاقی، بهداشتی، روان‌شناختی و حقوقی اسلام در ایجاد همبستگی و تحکیم پیوندهای اجتماعی و تأمین شادکامی افراد است. روابط حمایتی نزدیک میان والدین و فرزندان، خواهران و برادران و میان اعضای خانواده گسترده، بر حمایت اجتماعی موجود از همه‌ی اعضای خانواده می‌افزاید. این حمایت اجتماعی سلامت ذهنی را ارتقا می‌دهد (پناهی، ۱۳۹۳، ص ۳۲۵-۳۲۶).

بررسی عامل ارتباط جنسی زوج و نقش آن در سلامت روانی زوجه

درباره‌ی تأمین نیازهای جنسی سه دیدگاه وجود دارد. یک دیدگاه به نیازهای جنسی با دید منفی نگاه می‌کند و برآورده ساختن آن را مایه‌ی شرمساری می‌داند. این دیدگاه در مسیحیت نفوذ یافته است و تنها راه رسیدن به معنویات را در رهبانیت خلاصه می‌کند. دیدگاه دیگر نقش غریزه‌ی جنسی را در وجود انسان بسیار مهم و سرمنشأ تحول انسان معرفی می‌نماید. فروید این طرز فکر را رشد داده است و سرمنشأ همه‌ی تحولات انسانی را در غریزه‌ی جنسی خلاصه می‌کند. دیدگاه

۱- «النشرة فی عشرة أشياء: المشی، والركوب، والارتقاس فی الماء، والنظر إلى الخضرة، والأكل، والشرب، والنظر إلى المرأة الحسناء، والجماع، والسواك، ومحادثة الرجال».

سوم، نگاه معتدل به غریزه جنسی و تأمین صحیح آن را دارد که دیدگاه اسلام است. بر اساس این دیدگاه، هرکدام از زن و شوهر باید نیاز طرف مقابل را در نظر بگیرند و برای تحقق آن کوشا باشند.

بررسی ادله‌ی فقهی

درباره‌ی عامل ارتباط جنسی و نقش آن در سلامت روانی زوجه، قواعد فقهی و آیات و روایاتی وجود دارد که اینک آن‌ها را بررسی می‌کنیم. برحسب قاعده‌ی نفی ضرر، ضرر رساندن به فرد مؤمن، حرام و قابل پیگرد قانونی است و با توجه به اینکه در نگاه عرف، بی‌توجهی شوهر به نیاز جنسی زن و درعین‌حال، خودداری شوهر از طلاق دادن او مصداق ضرر رساندن به زن تلقی می‌شود، می‌توان با استناد به قاعده‌ی نام‌برده‌شده نتیجه گرفت که در چنین فرضی، بر شوهر واجب است نیاز جنسی همسرش را برآورده کند (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۰).

گفتنی است اگر درباره‌ی شمول مفهوم ضرر نسبت به خودداری شوهر از ارضای جنسی همسر اندک تردیدی هم وجود داشته باشد، این تردید با مراجعه به روایت معتبری که به این نکته تصریح کرده است، از بین می‌رود (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۱۸۰)؛ اما مفاد قاعده‌ی نفی حرج نیز که بیشتر فقها کلیت آن را پذیرفته‌اند، آن است که خداوند در دین اسلام، احکام مشقت‌آمیز وضع نکرده است. بر اساس این می‌توان گفت اگر زن در اثر بی‌توجهی شوهر به نیاز جنسی او، در حرج و مشقت بیفتد، به حکم این قاعده، تحمل چنین وضعیتی بر زن وجوب شرعی ندارد و در نتیجه می‌تواند به حاکم اسلامی مراجعه کند تا شوهر را به برآوردن نیاز جنسی همسرش ملزم نماید و در غیر این صورت، طلاق زن را بگیرد. آیاتی که فقها در این باره به آن‌ها استناد کرده‌اند، به شرح ذیل است.

آیاتی را که فقها درباره‌ی نیاز جنسی زوجه به آن‌ها استناد کرده‌اند:

۱. آیه‌ی مبارکه‌ی ۲۳۳ سوره‌ی بقره می‌فرماید: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ»؛ در ارتباط با این آیه ابوصباح کنانی گفته است که از امام صادق (ع) از تفسیر این آیه پرسیدم. فرمود: «مادر شیرده هنگامی که شوهرش می‌خواست با او جماع کند، خودداری می‌کرد و می‌گفت: با تو هم‌بستر نمی‌شوم، می‌ترسم حامله شوم و این کودک شیرخوارم را بکشم و چون زن شیرده می‌خواست با شوهرش هم‌بستر شود، مرد می‌گفت: می‌ترسم با تو هم‌بستر شوم و فرزندم را بکشم و با آن زن آمیزش نمی‌کرد؛ پس خدا از اینکه مرد به زنی و زنی به مردی زیان برساند، نهی کرده است»^۱ (عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۲۷).

حدیثی که در توضیح آیه‌ی مبارکه ذکر شد، بیانگر این مطلب است که زوج و زوجه هر دو از ترس بارداری دوباره‌ی زوجه، از هم‌بستری با یکدیگر خودداری می‌کردند که البته منظور ما از بیان

۱- «عن أبي الصباح الكناني عن أبي عبد الله عليه السلام قال سأته عن قول الله عزوجل لا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ فقال: كانت المراضع مما يدفع إحدیهن الرجل إذا أراد الجماع تقول: لا أدعك انی أخاف ان أحبل فأقتل ولدی هذا الذی أرضعه و كان الرجل تدعوه المرأة فيقول: أخاف ان أجامعك فأقتل ولدی فیدعها فلا یجامعها، فنهی الله عز و جل عن ذلك أن یضار الرجل المرأة و المرأة الرجل.»

این آیه و حدیث ذیل آن، زبان رساندن به زوجه در اثر انجام ندادن هم‌بستری از سوی زوج است. آیت‌الله شبیری درباره‌ی آیه می‌نویسد: «این آیه‌ی شریفه صغرای اضرار را ثابت کرده است و در نتیجه، به عمومات لاضرر می‌توان برای مسئله‌ی مورد بحث تمسک جست. افزون بر این، خود دلیل مستقلاً بر حرمت مضاره با ترک مباشرت است» (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۴۸۶).

۲. آیه‌ی دیگر در همین رابطه، آیه‌ی ششم سوره‌ی تحریم است که می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده‌ی خویش را از آتشی نگاه دارید که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است، آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده است که خشن و سخت‌گیرند و هرگز مخالفت فرمان خدا نمی‌کنند و دستورهای او را دقیقاً اجرا می‌نمایند.»^۱ آیت‌الله خوئی درباره‌ی این آیه نظرشان این است که مطابق این آیه، هر مؤمنی وظیفه دارد خود و اعضای خانواده‌اش را از آتش جهنم مانع شود. از سوی دیگر، اگر کثرت شهوت زن موجب زنا و عصیان وی گردد، جهنمی خواهد شد؛ در نتیجه، شوهرش وظیفه دارد که جلوگیری کند^۲ (خوئی، ۱۴۱۷، ج ۳۲، ص ۱۲۲).

برخی به سخن آیت‌الله خوئی ایراد گرفته‌اند که بر اساس بعضی از روایات، زوج در برابر زوجه جز امر به معروف و نهی از منکر زبانی وظیفه‌ای ندارد. پاسخ برخی دیگر بر این اشکال این است که این روایات بیانگر کمینه‌ی مراتب امر به معروف و نهی از منکر است و در روابط اجتماعی، نهی از منکر به صرف زبانی محدود نمی‌شود و مراتبی دارد؛ اما این امر دلیل این نیست که در خانواده به نهی از منکر زبانی اکتفا گردد.

به‌طور کلی، انسان در برابر خود و اهل و عیالش مسئولیت تربیتی دارد. درست است که روایات تفسیری آیه‌ی مبارکه، بیش از امر و نهی زبانی را نفی کرده است؛ اما ظاهراً مقصود از آن نهی از توسل به روش‌های خشن است. شوهر نمی‌تواند همسرش را نهی از منکر کند و اگر نتیجه نداد، از طریق تنبیه بدنی وی را از منکر بازدارد؛ زیرا تنبیه بدنی پیامدهایی دارد و در حقیقت، از نوع دفع منکر به منکر دیگر خواهد بود؛ بنابراین، شوهر باید از راه ایجاد بستری برای ارضای مشروع نیازهای عاطفی و جنسی، مانع خروج همسر از حریم عفاف شود. این مطلب واضح است و مناقشه در آن راه ندارد (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۱۲۰).

بنابراین، اسلام روابط جنسی را موجب تسکین دردهای جسمانی و فراهم آوردن نشاط روانی^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۹۱) و برعکس، کندی و ناتوانی در این‌گونه روابط را موجب تندخویی و خشم‌های بی‌مورد می‌داند (همان، ج ۱۰۱، ص ۴۶). به همین سبب است که در مجموعه‌ی آموزه‌های اسلامی، توصیه‌هایی برای تقویت میل جنسی (از طریق مشروع) ارائه شده است (حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۸۵) و در شرایطی که تحریک بیرونی، فرد را دچار بحران جنسی

۱- «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا فَاذْكُرُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ».

۲- «إِذِ الْمَسْتَفَادِ مِنْهَا وَجِبَ حِفْظُ مَنْ يَتَوَلَّاهُ عَنِ الْوُقُوعِ فِي الْحَرَامِ مِضَافاً إِلَى وَجِبِ حِفْظِ نَفْسِهِ، فَهُوَ مَكْلَفٌ بِالإِضَافَةِ إِلَى حِفْظِ نَفْسِهِ بِحِفْظِ أَهْلِهِ بِخِلَافِ الأَجْنَبِيِّ حَيْثُ أَنَّهُ غَيْرُ مَكْلَفٍ بِحِفْظِهِ».

۳- «إِذَا كَانَ بِأَحَدِكُمْ أَوْجَاعٌ فِي جَسَدِهِ وَ قَدْ غَلَبَتْهُ الْحَرَارَةُ فَعَلِيهِ بِالْفَرَّاشِ».

می‌کند، به عمل جنسی (با رعایت احکام شرع مقدس) سفارش شده است (همان، ص ۷۲)؛ بنابراین، هرگونه کوتاهی زن و شوهر در تأمین این نیاز مهم که از اهداف اساسی ازدواج به‌شمار می‌آید، موجب آسیب‌های فردی و روانی به آنان و پیدایی زمینه‌ای برای انحراف و ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی است. لذت نشاط و آرامشی که در پرتو این رفتار برای زن و شوهر پدید می‌آید، در سلامت روانی آنان و آمادگی جسمانی و روانی‌شان برای اداره‌ی خانواده نقش بسیار مهمی دارد (سالاری‌فر، ۱۳۹۸، ص ۵۷).

اما به‌منظور انجام وظایف زوجیت، گاهی موانعی پیش روی زوجه قرار می‌گیرد که سلامت روانی یا جسمی‌اش را دچار مخاطره می‌کند که در اصطلاح فقهی تراحم نامیده می‌شود. اکنون به توضیح تراحم و بعضی از نمونه‌های آن و راه‌حل برخورد با آن‌ها از دیدگاه فقها می‌پردازیم.

تراحم میان حقوق زوج با حق سلامت زوجه

تراحم در لغت به معنای گردآمدن گروهی بر چیزی، تلاطم امواج و راندن برخی از آن‌ها برخی دیگر را در یک تنگنا آمده است (الجوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۹۴۱؛ زکریا، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۹) و در اصطلاح عبارت است از تنافی دو حکم دارای ملاک در مقام امتثال، به‌سبب آنکه مکلف به انجام هر دو در یک زمان قادر نیست (صدر، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۶). در بعضی از موارد، عمل به وظیفه‌ی زوجیت با وظایف دیگر غیرقابل جمع است که این حالت را در اصطلاح تراحم می‌نامند. در این قبیل موارد لازم است حکم اهم بر حکم مهم ترجیح داده شود. این یک قاعده‌ی عقلی است و احکام عقلی نیز استثنا نمی‌پذیرند؛ بنابراین، در همه‌ی موارد تراحم به همین ترتیب عمل می‌شود. این حکم عقلی، مؤیدات نقلی نیز دارد (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۲۴۳). بر اساس بعضی نقل‌ها، پیامبر گرامی اسلام فرمود: «اذا اجتمعت حرمتان طرحت الصغرى للكبرى» (ابن الاثیر الجزری، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۷۴)؛ بنابراین، مهم آن است که معلوم شود حکم اهم یا راجح کدام است؛ البته روشن است مقصود از راجح در این بحث، راجح نزد شارع است. بر اساس آنچه بیان شد، اگر عمل به وظیفه‌ی زوجیت در تراحم با وظیفه‌ی شرعی دیگری باشد، به‌گونه‌ای که امتثال هر دو حکم ممکن نباشد، باید به حکم اهم عمل شود و در این صورت، ترک وظیفه‌ی زوجیت نشوز به‌شمار نخواهد آمد.

۱- اصولیون به موارد متعددی از ملاک‌های ترجیح اشاره کرده‌اند؛ از جمله:

الف. تراحم میان واجب مضیق و واجب موشع که حکم مضیق بر حکم موشع در مقام امتثال مقدم می‌شود؛

ب. تراحم میان واجب عینی با واجب تخییری که در این مثال، واجب عینی بر واجب تخییری مقدم داشته می‌شود؛

ج. تراحم میان حفظ جان مسلمان یا غیر آن که اولویت با حفظ جان مسلمان است؛

د. تراحم میان حق الناس با سایر تکالیف شرعی که ترجیح با حق الناس است؛

ه. تراحم میان امر مالی با دماء یا فروج، امر مالی در قیاس با دماء و فروج مرجوح به‌شمار می‌آید؛

و. تراحم میان حقوق فردی با حقوق اجتماعی که ترجیح با حفظ حقوق اجتماعی است.

ضرر و حرج ناشی از بیماری زوجه

شیخ طوسی با اشاره به عذرهایی مانند بیماری یا نحیف بودن زوجه و تأثیر آن در سقوط تکلیف وی در تمکین، به استناد عناوین ضرر و حرج رابطه بیان می‌دارد: «اگر زوجه جزو دسته‌ای از زن‌ها باشد که واقعه برای او ضرری ندارد، باید تمکین کند؛ زیرا این امر برای او ضرری ندارد و اگر از کسانی باشد که می‌ترسد در اثر واقعه، دچار آسیب جسمی یا مشقت شدید شود، از واقعه منع شده‌اند»^۱ (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۱۷).

آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز چنین ذکر می‌کنند که: «اگر زن مرضی داشته باشد که آمیزش برای او ضرر قابل توجهی داشته باشد، جایز نیست شوهر با او آمیزش کند» (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷، ص ۱۳۳). همان‌گونه که دیده می‌شود، اگر زوجه دچار مشقت گردد یا واقعه برایش ضرر داشته باشد، از واقعه منع شده است؛ پس بدین ترتیب، سلامت زوجه بر اساس آموزه‌های اسلام تأمین گردیده است.

ترس از سرایت بیماری از زوج به زوجه

بیماری زوج و خوف سرایت آن به زوجه نیز تکلیف زوجه به تمکین را ساقط می‌کند. ماده‌ی ۱۱۲۷ قانون مدنی نیز مطلب را مورد توجه قرار داده و مقرر داشته است، هرگاه شوهر پس از عقد، مبتلا به یکی از امراض مقاربتی شود، زن حق خواهد داشت که از نزدیکی با او امتناع کند و امتناع مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود.

در پاسخ بعضی از استفتائات، فقهای معاصر به جواز ترک تمکین و برخی به عدم جواز واقعه به سبب وجود بیماری زیان‌بار فتوا داده‌اند. به بعضی از پاسخ‌ها اشاره می‌شود: «کسی که مبتلا به بیماری ایدز است، نباید زن و یا دختری را به او تزویج بکنند و اگر عقد واقع شده...، زوجه می‌تواند از واقعه‌ی زوج مبتلا به ایدز ممانعت کند» (گلپایگانی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۳۳۵). پس بازهم بنا بر آموزه‌های اسلام، فتاوی‌ای فقهای عظام، مواد قانونی و دیدگاه حقوق‌دانان، جایی که ترس از سرایت بیماری از زوج به زوجه وجود داشته باشد، فقهای معاصر، برخی به جواز تمکین و برخی دیگر به عدم جواز واقعه رأی داده‌اند (هدایت‌نیا، ۱۳۹۷، ص ۲۱۵).

ضرر و حرج اعتباری و شخصیتی

زوجه وظیفه دارد در صورت نداشتن مانع شرعی، در برابر درخواست واقعه‌ی زوج پاسخ مثبت بدهد؛ اما گاهی اوقات درخواست زوج برای این امر موجب ضرر و حرج شخصیتی زوجه می‌شود؛ به‌عنوان مثال، هنگامی که به جایی برای میهمانی رفته‌اند و زوج درخواست واقعه می‌کند، در اینجا اجابت این امر باعث ضرر و حرج شخصیتی برای زوجه می‌گردد و یا اینکه مثلاً با گروهی

۱- «فان كانت ممن لا ضرر علیها فی جماعة فعلیها تمکینه، لأنه لا ضرر علیها فی جماعه و إن كانت علی صفة یخاف علیها من الجماع الجنایة علیها أو مشقة شدیدة منع منها».

برای مسافرت رفته باشند و موقعیتشان به گونه‌ای باشد که انجام این امر برای زوجه ضرر شخصیتی داشته باشد.

در اینجا هم همان‌گونه که دیده می‌شود، به همه‌ی ابعاد سلامت زوجه توجه شده است. حتی هنگامی که زوجه به لحاظ شخصیتی در برابر انجام خواست زوج در محظور قرار بگیرد، فقها عذر زوجه برای عدم تمکین را موجه می‌دانند.

تزام حق تولیدمثل زوج با حق سلامت زوجه

استفاده‌ی زوج از حق تولیدمثل خود، گاهی باعث آسیب جسمی یا روانی زوجه و گاهی باعث ابتلای زوجه به بیماری می‌شود و یا بیماری وی را تشدید می‌کند. در این صورت، باید وظیفه‌ی زوج بر اساس قواعد فقهی و آرای فقها تعیین شود که توضیح این امر بدین شرح بیان خواهد شد.

به خطر افتادن سلامت زوجه در صورت بارداری برای تحقق حق تولیدمثل زوج

ابتلای زوجه در صورت بارداری به دو بخش روانی و جسمی تقسیم می‌شود:

الف. بیماری روانی: اگر زوجه در اثر بارداری، دچار بیماری افسردگی یا بیماری دیگر روانی بشود، بر اساس قاعده لاضرر و لاجرح، حق سلامت زوجه مقدم بر حق تولیدمثل زوج است.

ب. بیماری جسمی: گاهی زوجه در اثر یک‌بار بارداری، دچار بیماری جسمی می‌گردد و گاهی در اثر چند بار بارداری دچار بیماری جسمی می‌شود. هنگامی که زوجه در اثر یک‌بار بارداری، دچار بیماری جسمی می‌گردد، در این صورت بر اساس قاعده‌ی لاضرر و لاجرح، حق سلامت زوجه بر حق تولیدمثل زوج ارجحیت دارد؛ همچنین هنگامی که زوجه بر اثر بارداری‌های متعدد، دچار بیماری جسمی می‌شود، بازهم بر اساس قاعده‌ی لاضرر و لاجرح، سلامت زوجه بر حق تولیدمثل زوج ارجحیت دارد (معینی‌فر، ۱۳۹۶، ص ۹۸).

درجایی که زوجه با انجام حق تولیدمثل زوج، دچار بیماری جسمی یا روانی گردد، فقها بر اساس قاعده‌ی لاضرر و لاجرح، زوجه را انجام چنین کاری معذور می‌دانند.

ابتلای زوجه به بیماری‌های مانع استیفای حق تولیدمثل زوج

الف. در صورتی که زوجه پیش از ازدواج، مبتلا به بیماری مانع از بارداری باشد و درمان آن، سلامتی زوجه را به خطر بیندازد، حق سلامت زوجه بر حق تولیدمثل زوج مقدم است؛ اما اگر درمان زوجه منافاتی با حق سلامت وی نداشته باشد، تزامی میان این دو حق وجود ندارد و درمان زوجه از اولویت برخوردار است. در صورتی که زوج پیش از ازدواج، از بیماری زوجه خبر نداشته باشد، حق فسخ برای او محفوظ خواهد بود.

ب. گاهی زوجه پس از ازدواج به بیماری‌ای مبتلا می‌شود که توان بارداری او را از بین نمی‌برد؛ اما بارداری برای او خطرناک است که در این صورت بازهم بر اساس قواعدی که پیش‌تر بیان شد، نباید باردار شود؛ اما زوج برای استیفای حق تولیدمثل خود می‌تواند دوباره ازدواج کند.

گاهی زوجه در اثر مقاربت به بیماری‌ای مبتلا می‌گردد که دیگر یا قادر به فرزندآوری نیست و یا اگر قادر باشد، فرزند دچار بیماری می‌شود. این بیماری‌ها به سه دسته تقسیم می‌گردند: بعضی از این بیماری‌های مقاربتی مانند سوزاک که از زوج به زوجه منتقل می‌شود، برای زوجه حالتی ایجاد می‌کند که دیگر قادر به فرزندآوری نیست. بعضی دیگر باعث ناباروری زوجه می‌گردد؛ اما موجب ابتلای جنین به بیماری می‌شود؛ مانند ایدز، هپاتیت و سفلیس. فقهای امامیه فرزندآوری و شیردهی به صورت طبیعی را برای مبتلایان به ایدز به سبب وارد شدن ضرر به جنین جایز نمی‌دانند؛ زیرا در پاسخ به سؤالی درباره‌ی نزدیکی با همسر مبتلا به ایدز گفته‌اند: «اگر آمیزش خطر ابتلا به ایدز را به همراه داشته باشد، جایز نیست».

دیدگاه قانون درباره‌ی با مقاربت زوجه با زوج بیمار چنین است: بر اساس ماده‌ی ۱۱۲۷ قانون مدنی، «هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از امراض مقاربتی گردد، زن حق خواهد داشت که از نزدیکی با او امتناع نماید و امتناع مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود» (نیکویان، ۱۳۹۳، ص ۲۲۱). در این صورت می‌توان ادعا کرد که قانون‌گذار ضمن لحاظ جواز خودداری از رابطه‌ی زناشویی برای زوجه و درعین حال حفظ حق نفقه‌ی وی، محدودیتی غیرمصرح نیز در بحث فرزندآوری طبیعی زوج مبتلا به بیماری مقاربتی ایجاد کرده است.

در ارتباط با حق باروری زوج، اگر سلامت زوجه متوقف بر درمانی است که موجب ناباروری شود، زوج حق منع کردن از درمان زوجه را ندارد. گاهی بیماری قابلیت بارداری زن را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد، اما درمان آن سبب ناباروری زن می‌شود؛ مانند بعضی از سرطان‌ها که به‌واسطه‌ی شیمی‌درمانی، هم مرد و هم زن قدرت زادآوری خود را از دست می‌دهند. در اینجا نیز قطعاً حق سلامت زوجه بر حق تولیدمثل زوج مقدم است.

ابتلای زوجه به بیماری‌ای که با بارداری تشدید می‌شود.

در موارد ابتلای زوجه به بیماری‌ای که با بارداری تشدید می‌شود؛ مانند دیابت، با برخی روش‌های پیشگیرانه‌ی پزشکی می‌توان آسیب‌های ناشی از بارداری را در زوجه کاهش داد و به این ترتیب، هم سلامت وی را حفظ و هم به استیفای حق تولیدمثل زوج کمک کرد.

نتیجه‌گیری

از آیه‌ی ۱۸۹ سوره‌ی اعراف: «... لَيْسَ كُنَّ اِيَّهَا...»، برای حق سلامت روانی زوجه چنین برداشت شد که آیه‌ی مبارکه تصریح دارد که محور سکونت و آرامش زوجه است. به همین سبب، برای اینکه زوجه بتواند آرامش‌بخش باشد، خودش باید آرامش داشته باشد و برای برقراری آرامش زوجه که به دنبال آن، سلامت روانی او را نیز دربردارد، بر اساس فقه اسلامی، زوج باید لوازم این آرامش و سلامتی و صحت زوجه‌اش را فراهم کند که به‌صورت اختصار عبارت‌اند از: محیط امن و سالم و سرشار از محبت، خالی کردن محیط زندگی از تنش و درگیری و فراهم نمودن لوازم رفاهی زوجه. از بررسی عامل قوامیت، سرپرستی و مسئولیت‌پذیری زوج، این نتیجه به‌دست آمد که مدیریت و مسئولیت

تدبیر منزل را خداوند بر اساس آیهی «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ مَا فَضَّلَ اللَّهُ... وَ مَا أَنْفَقُوا...» (نساء: ۳۴)، بر عهده‌ی زوج قرار داده است تا زوجه که مسئولیت اداره‌ی منزل و تربیت و پرورش فرزندان را بر عهده دارد، با خیال راحت و آرامش روانی به انجام این امور بپردازد و از مطرح کردن عامل غیرت‌ورزی زوج چنین برداشت شد که حفاظت از زوجه و مراقبت از او تا اینکه دامان پاکش به گناه آلوده نگردد، نشان‌دهنده‌ی این امر است که اسلام نسبت به حفاظت و نگهداری زوجه از ابتلائات و آلودگی‌ها بسیار حساس است و از زوج می‌خواهد تا مراقبت از زوجه را به نحو احسن انجام دهد؛ زیرا این امر باعث مصونیت زوجه از آسیب‌ها و ناامنی‌های موجود در هر جامعه خواهد شد؛ همچنین از بررسی عامل معاشرت نیکوی زوج و آیهی مبارکه «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) استفاده می‌شود که زوج باید نیازهای عاطفی زوجه و تکریم و احترام وی را بر اساس اصل مهم قرآنی معاشرت به معروف تنظیم کند؛ همچنین فقها با استناد به آیهی مبارکه‌ی یادشده، از زوج می‌خواهند که آنچه زوجه در زندگی روزمره خود به آن‌ها نیاز دارد؛ مانند خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان را در حد امکان و به صورت معروف در اختیار زوجه قرار دهد و در پی آن، از بررسی عامل تفریحات سالم، این نکته به دست آمد که تفریح تأثیر مثبت و بسیار فراوانی در شادابی روحی و روانی زوجه دارد و اگر زوج توجه کافی و لازم به این امر داشته باشد، در تجدیدقوا و شادابی زوجه تأثیر مثبت خواهد داشت و به دنبال آن، سلامت روانی زوجه تأمین خواهد شد و آخرین عاملی که در ارتباط با سلامت روانی زوجه بررسی گردید، عامل ارتباط جنسی بود که در آن، فقها و مفسران از آیهی «لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدِهِ» (بقره: ۲۳۳) و روایات پیرامون آن چنین برداشت کردند که در اثر هم‌بستر نشدن طبق احکام شرع مقدس، زوجه و زوج ضرر و زیان خواهند دید که به سبب اینکه موضوع پژوهش ما زوجه است، بیشتر به این امر پرداخته شد و اینکه به منظور برآورده ساختن نیازهای غریزی زوجه، گاهی تزامم‌هایی با حق زوج پیش می‌آید که اسلام این تزامم‌ها و راه‌حل‌های مرتفع کردن آن‌ها را بیان نموده است؛ بنابراین، زوج باید بکوشد زوجه در این رابطه ضرر نبیند تا زمینه‌ی سلامت روانی زوجه فراهم آید.

پیشنهادها

۱. راه‌اندازی رشته‌های دانشگاهی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری و ایجاد گرایش‌های تخصصی درباره‌ی حقوق زوجه، به‌منظور کادرسازی کارشناسان در مسائل حقوقی، پژوهشی و آموزشی.
۲. انجام تحقیقات میدانی در سطح کل کشور و همچنین در همه‌ی استان‌ها به تفکیک استان، شهرستان و شهر با هدف اینکه مشخص شود حقوق زوجه تا چه اندازه رعایت می‌گردد تا بر اساس آن و بر پایه‌ی تحقیقات میدانی و مشخص شدن نقطه‌ضعف‌ها، راهکارهای اصلاح و جبران نقطه‌ضعف‌ها مشخص شود.
۳. زمینه‌سازی دولت برای آموزش‌های رسمی و غیررسمی به زوج در رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، مساجد، مراکز فرهنگی تبلیغی و... برای شناخت و احیای حقوق زوجه.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه؛ ترجمه‌ی محمد دشتی.
- آل یاسین، محمدحسن؛ رساله‌ی الحقوق؛ نجف: مکتبه‌ی الامام الحسن (ع) العامة، بی‌تا.
- ابن الاثیر الجزری، مجدالدین؛ النهایه فی غریب الحدیث؛ بیروت: المکتبه‌ی العلمیه، ۱۳۹۹ ق.
- ابن منظور، محمدبن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- پناهی، علی احمد؛ سبک زندگی؛ قم: موسسه پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۳ ش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ تصحیح سید مهدی رجایی؛ قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم؛ قم: اسراء، ۱۳۸۸ ش.
- _____؛ زن در آئینه جمال و جلال؛ قم: اسراء، ۱۳۷۵ ش.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد؛ تاج اللغة و صحاح العربیه؛ بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
- حر عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۲ ق.
- حکمت‌نیا، محمود؛ حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن؛ تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
- _____؛ فلسفه نظام حقوق زن؛ تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷ ش.
- خوئی، سید ابوالقاسم؛ موسوعه الامام الخوئی؛ نجف: مؤسسه الخوئی الإسلامیه، ۱۴۱۷ ق.
- دانش‌پژوه، مصطفی؛ مقدمه علم حقوق با رویکرد حقوق ایران و اسلام؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ ش.
- رئوف، هبه؛ مشارکت سیاسی زن؛ ترجمه‌ی محسن آرمن؛ تهران: نشر قطره، ۱۳۷۷ ش.
- الزبیدی، مرتضی؛ تاج العروس؛ بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
- زکریا، احمدبن فارس؛ معجم مقاییس اللغة؛ قم: مکتبه‌ی الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- سالاری فر، محمدرضا؛ خشونت خانگی علیه زنان؛ تهران: گلبرگ، ۱۳۹۸ ش.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی؛ مسالک الافهام؛ قم: موسسه معارف اسلامیه، ۱۳۸۷ ش.
- شیخ صدوق، محمدبن علی؛ امالی؛ ترجمه‌ی محمدباقر کمره‌ای؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- _____؛ من لا یحضره الفقیه؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- صدر، سید محمدباقر؛ بحوث فی علم الاصول؛ قم: المجمع العلمی للشهید الصدر، بی‌تا.
- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله؛ مختصر حقوق خانواده؛ تهران: میزان، ۱۳۹۸ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل‌بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طریحی نجفی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ تحقیق سید احمد حسینی؛ تهران: مرتضوی، ۱۳۶۲ ش.
- طوسی، محمدبن حسن؛ المبسوط فی فقه الإمامیه؛ تهران: المکتبه‌ی المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ ق.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ نور الثقلین؛ تصحیح هاشم رسولی محلاتی؛ قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.

- فاضل لنکرانی، محمد؛ احکام پزشکان و بیماران؛ قم: مرکز فقهی ائمه‌ی اطهار^(ع)، ۱۴۲۷ ق.
- فیض کاشانی، ملامحسن؛ تفسیر صافی؛ تهران: مکتبه‌ی الصدر، ۱۴۱۶ ق.
- کاتوزیان، ناصر؛ دوره حقوق مدنی خانواده؛ تهران: گنج دانش، ۱۳۹۹ ش.
- کلاین‌برگ، اتو؛ روان‌شناسی اجتماعی؛ ترجمه‌ی علی‌محمد کاردان؛ تهران: اندیشه، ۱۳۶۸ ش.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ اصول کافی؛ تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- گلپایگانی، سید محمدرضا؛ مجمع المسائل؛ قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۹ ق.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: دارالاحیاء التراث، ۱۴۰۳ ق.
- محقق داماد، سید مصطفی؛ بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و احلال آن؛ تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۰ ش.
- معینی‌فر، محدثه؛ «راهکار حل تزاخم حق تولید مثل زوج و حق سلامت زوجه»؛ فقه پزشکی، سال ۹، شماره‌ی ۳۰-۳۱، ۱۳۹۶ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
- نیکویان، امیر؛ قانون مدنی؛ قم: پیام نوآور، ۱۳۹۳ ش.
- هدایت‌نیا، فرج‌الله؛ نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، ۱۳۹۷ ش.

